

واکوی اهمیت اقتصاد و مناسبات تجاری مغرب در دوران شکوفایی موحدون (۵۴۳-۶۱۰هـ.ق/ ۱۱۴۸-۱۲۱۳م)

دکتر محمدحسن بهنام‌فر

استادیار، گروه معارف، مجتمع آموزش عالی اسفراین، اسفراین، خراسان شمالی، ایران.

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۱۱، سال ۱۸ شماره ۷۰- صفحه ۱۱۱-۸۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۱

چکیده

جهان اسلام در قرن ششم هجری دچار تحولاتی شد که به شکل‌گیری دولت موحدون در مغرب اسلامی منجر گشت. موحدون موفق شدند در دروان شکوفایی خود، فصلی نو در تحولات مغرب ایجاد کنند؛ استقرار قدرت در مغرب و اندلس، امنیت به مسیرهای تجاری، رونق بخشیدن به شهرها و بازارها و همچنین مناسبات سیاسی با همسایگان و تعاملات پایدار، بدون شک در مناسبات تجاری و اقتصادی موثر بوده است. در این پژوهش با تاکید بر ساختارها و مبانی اقتصادی منطقه، مناسبات تجاری مغرب در دوران شکوفایی موحدون مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد. از این رو پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با تاکید بر منابع به این پرسش پاسخ می‌دهد که وضعیت اقتصاد و مناسبات تجاری مغرب در دوره میانه موحدون چگونه بوده است؟ و خلفای موحدی در این دوره چه اقداماتی انجام دادند؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که موحدون در این دوران با ایجاد امنیت، تعاملات و مناسبات، اقتصاد را رونق بخشیده و مسیرهای تجاری خشکی و دریایی را نظم دادند. این امر موجب گشت، با همسایگان تعاملات تجاری و اقتصادی پایداری برقرار کنند.

واژگان کلیدی: مغرب اسلامی، موحدون، اقتصاد، مناسبات تجاری.

مقدمه

سرزمین مغرب اسلامی موقعیتی ممتاز میان شرق اسلامی و اسپانیای مسلمان و نیز میان صحرا و سودان از یک سو و مدیترانه از سوی دیگر داشت. این منطقه پس از فراز و نشیب‌های فراوان، در قرنهای پنجم و ششم هجری شاهد شکل‌گیری دولتهای بربر بود. ابتدا در نیمه دوم قرن پنجم دولت مرابطون موجودیت یافت و طولی نکشید که دولت موحدون با تلاشهای محمدبن تومرت پس از پیروزی بر آنها در ۵۴۲هـ/ ۱۱۴۷م، بخش‌های وسیعی از مغرب و اندلس تسلط یافته و توانست تأثیرات قابل توجهی در این منطقه ایجاد کند. ابن تومرت هرچند اندیشه‌ای جدید بنا نهاد و به سرعت جنبش موحدون را رهبری کرد اما فرصت چندانی نیافت و تداوم دولت موحدون بعد از او برای ساخت یک دولت منسجم و باثبات اهمیت بسزایی داشت. این امر یکی از نقاط درخشان تاریخ مغرب اسلامی به شمار می‌رود. دولت موحدون پس از ابن تومرت نه تنها افول نکرد که حتی به دوران شکوفایی و اوج خود رسید. دولت موحدون علاوه بر تحولات فکری، به توسعه اقتصاد و مناسبات تجاری نیز توجه داشت. این امر به طور خاص در دوره‌ای که به «دوران شکوفایی موحدون» (۵۴۳- ۶۱۰هـ.ق/ ۱۱۴۸- ۱۲۱۳م) اطلاق می‌شود، نمود بسیاری داشته است. این دوران از میانه خلافت عبدالمومن بن علی آغاز و پس از یوسف و یعقوب منصور قسمت عمده خلافت ناصر را در بر می‌گرفت. مهمترین شاخصه این دوران، تثبیت قدرت، توسعه عمران و رفاه اجتماعی بود. مقاله پیش‌رو نیز با توجه به نقش و اهمیت دوران شکوفایی موحدون در حوزه اقتصاد و تجارت مغرب، به ارائه اقدامات خلفای این دوران به منظور دستیابی به مناسبات پایدار با همسایگان می‌پردازد. به دنبال سیاستهای موحدون در رونق یافتن امور کشاورزی و صنعتی، شاهد نهضت بزرگ تجاری در سطح داخلی و تعاملات پایدار بازرگانی در امور خارجی هستیم. بدین ترتیب مسئله اصلی این پژوهش ناظر به ایجاد دوران شکوفایی و مولفه‌های شکل‌گیری آن از منظر اقتصادی و تجاری است. بدون شک رفاه، توسعه عمران و مناسبات تجاری در تثبیت قدرت و شکل‌گیری ساختار نظام‌مند دولت موحدی بسیار موثر بوده است. بدین ترتیب سوال محوری این تحقیق را می‌توان چنین طرح کرد؛ وضعیت اقتصاد و مناسبات تجاری مغرب در دوره میانه موحدون چگونه بوده است؟

بی‌تردید تحلیل و ارزیابی شرایط اقتصادی و اجتماعی هر دوره‌ای از تاریخ می‌تواند، زوایایی تازه‌ای از مطالعات فرهنگی و نگرش‌های جدید به تاریخ را بازگشاید. چرا که ارتباط تنگاتنگی بین اقتصاد و زندگی اجتماعی وجود داشته و با مطالعه ساختارهای اقتصادی، درآمد‌ها، تجارت، مسیرهای بازرگانی و راه‌های ارتباطی، بازارها و کالاها می‌توان به اقتدار و یا ضعف یک دوره تاریخی پی برد. براین اساس فرضیه تحقیق آن است که پس از تشکیل دولت موحدون و ثبات حاکمیت سیاسی در مغرب و اندلس، حضور امرای قدرتمند موحدی و اتخاذ سیاستهای اقتصادی باعث رونق مناسبات تجاری، توسعه شهرها و بازارها در این دوران شدند، این امر در استقرار قدرت و بسط حاکمیت موحدون بسیار موثر بوده است.

از آنجا که جنبش موحدون با تلاش‌های ابن‌تومرت تحول فکری جدیدی در مغرب شکل داد، اغلب تحقیقات در ساختار اندیشه‌ای ابن‌تومرت متمرکز شدند. دولت موحدون پس از ابن‌تومرت، تحلیل دوران شکوفایی و موضوعات اقتصادی این دوره کمتر مورد توجه بوده است. با این وجود اگرچه آثار متعددی در خصوص اهمیت تجارت مغرب نگاشته شده، اما موضوع این تحقیق چندان توجه پژوهشگران را به خود جلب نکرده است. تحقیقات دوره موحدون در حوزه اقتصاد بیشتر بر روی موضوعات مالی تمرکز یافته است. از جمله کتابهایی که ترجمه شده، «دولت موحدون در غرب جهان اسلام؛ تشکیلات و سازمان‌ها» می‌باشد که اشاره‌ای به مسائل مالی و توسعه اقتصاد و رفاه دارد (عمرموسی، ۱۳۸۱: ۱۹۵-۲۶۲). حسین مونس در جلد دوم «تاریخ و تمدن مغرب» توضیحاتی در رونق اقتصادی این دوره آورده (مونس، ۱۳۸۴: ۲۸۷-۴۳۹) و عبدالله ناصری در کتاب مقدمه‌ای بر تاریخ مغرب اسلامی تحلیلی کوتاه در شکوفایی اقتصاد دوره موحدی داشته است (ناصری طاهری، ۱۳۸۵: ص ۸۴-۸۵). حسین بولق‌طیب در مقاله «الحیاء الاقتصادية للحلف القبلي المصمودی فی القرنین الخامس و السادس الهجرین» تاکید بر قبیله مضمودی در حیات اقتصادی مغرب کرده (بولق‌طیب، ۱۴۱۳: ۵۷-۹۸) و «مظاهر اقتصادی فی عصری المرابطين و الموحدين بالأندلس و المغرب» عنوان مقاله‌ای است که عبدالله محمدحسین الزیات آن را در مجله آفاق الثقافة و التراث تقریر کرده، بیشتر ناظر بر امور مالیه و دیوانها، دسترسی به منابع مالی، خراج و... در دوره های مرابطون و موحدون است (زیات، ۱۴۲۵: ۱۰۱-۱۲۲). دیوید، آبولافیا مقالات ارزشمندی در

خصوصاً مناسبات تجاری قرون میانه اسلامی دارد که در این تحقیق از آنها استفاده شده است (Abulafia, 2010: 251- 257)

پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی- تحلیلی و با تأکید بر منابع اصلی، ضمن ارزیابی سیاستهای مالی در دوران شکوفایی موحدون به شکل‌گیری رونق اقتصادی، توسعه عمران و ایجاد رفاه می- پردازد، سپس با ارزیابی مسیرهای تجاری دریایی، خشکی و همچنین بازارها، مناسبات بازرگانی متعدد با همسایگان را تحلیل می‌کند. یکی از دلایل عمده ی تشکیل موفقیت آمیز سیاستهای موحدون، شرایط اقتصادی شمال آفریقا بوده است. موقعیت جغرافیایی و استقرار این سرزمین در شاهراههای تجاری و یا محصولات کشاورزی نیز در این موضوع حائز اهمیت است. موحدون مناسبات تجاری گسترده‌ای با دولتهای اروپایی و همسایگان مسلمان ایجاد کردند. در دوره موحدون همراه با پیشرفتهای متعدد، رونق فراوانی در تجارت داخلی و خارجی نیز شکل گرفت. همین سیاستهای اقتصادی منسجم و تعاملات پایدار با همسایگان می‌تواند یکی از دلایل ایجاد دوران شکوفایی و استقرار قدرت سیاسی موحدون بعد از ابن‌تومرت باشد. مسئله‌ای که در دولتهای نزدیک به آن از جمله مرابطون پس از ابن‌تاشفین روی نداد.

۱- سیاستهای مالی و رونق اقتصادی در دوران شکوفایی

دوران شکوفایی موحدون از جنبه‌های مختلف قابل بررسی و تحلیل است. سیاستهای مالی، رونق اقتصادی و توسعه عمران در این دوره بسیار مشهود و تأثیرات بسیاری از خود به جای نهاد. در ابتدا می‌بایست اشاره‌ای به دوره قبل از آنها یعنی مرابطون و شرایط اقتصادی منطقه داشته باشیم. گرچه نمی‌توان شرایط اقتصادی کوهستان اطلس را قبل و در طول ظهور موحدون بطور جامع توصیف کرد اما چندین منبع شواهدی در مورد چالش‌های اقتصادی پیش روی قبایل مضموده که در تقابل با قبایل صنهاجی بودند و منافع اقتصادی پیوستن به نهضت موحدون فراهم آورده‌اند (حرکات، ۱۹۶۵: ۱ / ۲۶۰) از جمله آن، لغو نمودن بسیاری از مالیاتهای غیر شرعی بود که مرابطون از مردم می‌گرفتند. ضعف دولت مرابطون پس از یوسف بن‌تاشفین، باعث کسری خزانه شد، که دولت را ملزم به وضع مالیات‌های غیرقانونی کرد. مرابطون از اکثر تولیدکنندگان بازارهای مختلف و آن چیزی

که فروخته می‌شد، سهمی برای خود وضع کردند (ادریسی، ۷۰) این امر فشار بیشتر بر تولیدکنندگان خرد و کشاورزان وارد می‌کرد که درآمدی نداشتند. همچنین تخلفات و سواستفاده فراوانی صورت گرفت و هرج و مرج حاکم بود، مردم با مالیات‌های متعدد روبرو شدند (Levi provencal, ۵: ۱۹۳۴) از جمله مالیاتی که بر دوش مردم هر شهر، برای بازسازی و تعمیر دیوارها و مراقبت از آن وضع شده بود (ابن عذاری، ۱۹۸۵: ۷۴). شرایط اقتصادی، چه در صنعت و چه در کشاورزی، علاوه بر رکود تجارت بدتر شد. به همین ترتیب، ناتوانی دولت در پرداخت حقوق سربازان، مالیات‌های دیگری نیز وضع شد؛ مالیات‌هایی که در اندلس گرفته می‌شد، مالیات اماکن تفریحی، مالیاتی که از وارثان متوفی دریافت می‌کردند (ابن خطیب، الاحاطه، ۱۲۵) با حذف مخالفان و همراهی قبایل مختلف مغرب و اندلس، وضعیت سیاسی موحدون منجر به ثبات شد، زیرا مغرب تحت حاکمیت یک دولت مقتدر، متحد گشت (ابن صلاه، ۱۹۸۷؛ ابن اثیر، ۱۹۶۷: ۱۱۴/۹) موحدون با صدور دستور العمل‌های متعدد، انواع مالیات‌های غیرشرعی را لغو کردند. از جمله این احکام نامه صادره از ابن تومرت به سال ۵۴۳ ق/ ۱۱۴۹ م از تیممل خطاب به مردم اندلس، که در آن آمده بود: «برای ما مطالبی در امر مغارم^۱، مکوس^۲، قبالات^۳ و تحجیر^۴ و موارد دیگر از این قبیل ذکر کرده اند، ما آنها را از بزرگترین گناهان کبیره می‌شماریم» (ابن قطان، ۱۹۹۰: ۱۵۷-۱۵۶) خلیفه عبدالمومن همه بدهی‌ها، قبله‌ها و مالیات‌ها را که مرابطون وضع کرده بودند، لغو کرد (همان، ۲۰۳-۱۸۷) یوسف نیز همین سیاست را در کاستن و الغای مالیات‌های غیرشرعی ادامه داد. او اخذ قباله یکی از پل‌های اشبیلیه^۵ را ملغی کرد و این سیاست تا عصر ناصر ادامه یافت (ابن صلاه، ۱۹۸۷: ۲۳۵-۲۳۴) مرحله بعد از لغو سیاست‌های مرابطون، ایجاد و برنامه‌ریزی دقیق در حوزه مالی توسط خلفای موحدی بوده است. موحدون در دوران شکوفایی در سیاست مالی خود برای اتخاذ یک سیستم مالیاتی واحد تلاش کردند. پایه‌گذار این تحول خلیفه عبدالمومن بود و صرفاً بر منابع درآمد شرعی تمرکز کرد

۱. از جمله مالیات‌هایی که دولت مرابطون وضع کرده و از عوامل نارضایتی شده بود.

۲. بیشتر به مالیات و عوارض گمرکی که از کالاها گرفته می‌شد، اطلاق می‌گشت.

۳. اسناد معاملات و عقد هرگونه تعامل اقتصادی اطلاق می‌شد.

۴. احیای زمین موات را گویند.

و مالیات‌های غیرقانونی بر مردم را لغو نمود (حلال الموشیه، ۱۹۷۹: ۲۲). خلفای بعدی یعنی یوسف، منصور و ناصر به این سیاست پایبند بودند (عمر موسی، ۱۹۸۶: ۱۷۳) این سیاست مالی ابتدا برای تأمین هزینه های جنگ و مدیریت کافی بود، اما وقتی ارتش بزرگتر و مجهزتر و دامنه فتوحات در مغرب و اندلس گسترش یافت، عبدالمومن مجبور شد دنبال منابع دیگری باشد (عمر موسی، ۱۳۸۱: ۲۵۰). با گسترش سرزمین ها به سمت افریقه و شمال، و حمایت از تولیدات آن، خراج را به عنوان منبع درآمدی معرفی کرد (ابن ابی زرع، ۱۹۹۹: ۱۹۹) بنابراین، سیاست مالی از رکود ناشی از آموزه های مهدی رهایی یافت تا با نیازهای دولت از نظر هزینه های نظامی و اداری تامین شود. البته این سیاست با توجه به مناطق روستایی و شهری، حاصلخیز و بایر و باغی و کشاورزی متغیر بود و به نگرش مردم نسبت به موحدون و میزان مقاومت در برابر آنها ارتباط داشت. عبدالمومن دستور داد اراضی افریقه و مغرب را مساحت و ثلث این مساحت را به سبب وجود کوهها، وردها و راهها و غیر آن وضع کنند و از باقی خراج بگیرند و هر قبیله سهم خود را برعهده گیرد (عنان، ۱۳۶۹: ۴/ ۴۹۵)

دولت موحدون مجموعه ای از مقررات و دستورالعمل های سختگیرانه را وضع کرد که مستلزم محافظت از فعالیت های تجاری و حمایت از فعالان بازرگانی بود. عبدالمومن بن علی نامه ای به بزرگان، نخبگان و عامه مردم اندلس ارسال کرد و در آن اعلان کرد که از تجار محافظت و حمایت خواهد کرد، و خاطر نشان کرد هر کسی که از دستورات او سرپیچی ورزد (عزاوی، ۱۴۱۶/ ۱۹۹۵: ۶۱-۷۱) و یا به تجار حمله و جاده ها را ناامن کند (ابن صلاه، ۱۹۸۷: ۳۶۸: حمیری، ۱۹۸۰: ۶۷) به قتل خواهد رسید. یکی از مهمترین عواملی که راه را برای رونق فعالیت های تجاری باز کرد، اهتمام دولت در مقابله با قبایلی که در میانه مسیرها به تجار حمله و راهزنی می کردند، بود (حمیری، ۱۹۸۰: ۶۷). این امر راهزنی را به طور ویژه تا بعد از قرن ششم محدود کرد (موسی، ۱۹۸۶: ۲۷۱). در همان نامه، خلیفه همچنین به متولیان امر تاکید کرد که به بازرگانان خارجی اجازه دهند تا به راحتی به کشورشان بازگردند و تجار سرگردان به مغرب وارد شوند و از اخاذی پول این تاجران بدون دلیل خودداری شود (عزاوی، ۱۹۹۵: ۶۵). خلفای موحدی در دوران شکوفایی بر مسئولیت پذیری کارگزاران امور مالی تأکید زیادی داشتند چرا که حوزه آنها بسیار حساس و نقش کلیدی در

توسعه و پیشرفت داشت. در واقع، خلفای موحدون سیاست پاسخگویی کارگزاران را به کار گرفتند، اولین آنها عبدالمومن بود که بر مسئولیت پذیری کارگزاران دولت تأکید کرد (ابن صلاه، ۱۹۸۷: ۱۱۷). خلیفه ابو یعقوب نیز عبدالرحمان بن یحیی، کارگزار شهر فاس را هنگام خیانت به مردم، غافلگیر و دستگیر کرد. به دنبال تحقیقات بیشتر، نود و یک نفر دیگر را هم مرتبط با او و فساد اداری فاس از کارمندان دولتی، زندانی و محاکمه شدند از جمله: خزانه دار، انباردار، ابن عاصم کارگزار مکناسه و ابن هود کارگزار رباط (ابن عذاری، ۱۹۸۵: ۱۵۸) در زمان خلیفه منصور هم، ابوعلی عمر بن ایوب به خاطر خزانه ها و اموال تحت مسئولیت خود، باید همیشه پاسخگو می- بود (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۹۴). چنانکه در گزارشی مبلغ پانزده هزار دینار کم آورد، مدتی دستگیر شد و سپس امیرالمومنین او را عفو کرد (ابن عذاری، ۱۹۸۵: ۲۲۵) رونق اقتصادی مغرب تا حدود زیادی مرهون نظام گسترده مالی موحدون بوده است. نحوه اداره معاملات و روابط اقتصادی، توسط ماموران اداره مالی، به شکلی بود که در رشد حرکت اقتصادی شهرهای مغرب، تاثیر مستقیم داشت: فاس^۶، تلمسان^۷، تادلا^۸، سبتة^۹، طنجه^{۱۰}، مراکش و سوس^{۱۱} از مناطق عمده ای بودند که رشد اقتصادی عصر موحدون را تجربه کردند.

موحدون در دوران شکوفایی از یک طرف مناسبات تجاری گسترده ای با مسیحیان سرزمین خود و دولت‌های اروپایی و از طرف دیگر با همسایگان مسلمان و قبایل مختلف بربر در جنوب مغرب ایجاد کردند. در این دوره همراه با نهضت کشاورزی و صنعتی، شاهد رونق فراوانی در تجارت داخلی و خارجی هستیم. آنها با سیاستهای خود با بخش شرقی جهان عرب، جزایر اروپایی در شرق سرزمین خود، با سرزمین سودان و اندلس به تجارت پرداختند و قراردادهای تجاری منعقد کردند (Julien,

۱۹۵۶: ۲/۱۲۲-۱۲۴)

^۶ . Fez or Fes

^۷ . Tlemsan

^۸ . Tadla

^۹ . Ceuta

^{۱۰} . Tangier

^{۱۱} . Souss

۱-۱: تجارت با دولتهای ایتالیایی

با نگاهی به ماهیت روابط تجاری خارجی کشورهای اروپایی با کشورهای اسلامی، روابط شهرهای ایتالیا و مغرب اسلامی را می‌یابیم که شکوفایی خاصی در اقتصاد و تجارت شکل گرفت که منجر به ایجاد روابط تجاری در زمینه واردات کالا از کشورهای اسلامی و بازاریابی آنها در مناطق مرکزی و شمالی اروپا و سپس صادرات محصولات اروپایی به کشورهای اسلامی، در درجه اول برده و سلاح گشت (Marie, 2000: 129-130). هنگامی که موحدون کنترل افریقیه را در دست گرفتند، تصمیم گرفتند با شرکای تجاری بنی‌زیری و بنی‌خراسان در زمینه مبادلات تجاری تعامل داشته باشند. به نظر می‌رسد که این روابط در دوران عبدالمومن، آغاز شد. در زمان یوسف تداوم و مکاتباتی رد و بدل گشت. این امر با وجود دو نامه ارسال شده از دولت پیزا به یوسف که احترام به عهد و پیمان بین دو طرف را یادآوری می‌کرد، مشهود بود (عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۱۶۲-۱۶۶) بنابراین پیزایی‌ها با خلیفه یوسف در سال ۵۶۱هـ.ق/ ۱۱۶۶م به معاهده صلح و تجارت دست یافتند، که بر اساس آن سفیر آنها گزینی قراردادی امضا کرد و پیزایی‌ها به راحتی آزادی تجارت در کل قلمرو موحدی را بدست آوردند. همچنین به آنها اجازه داده شد تا صندوق‌هایی برای خود در منطقه زویله ایجاد کنند که این امر آنها را تشویق می‌کرد تا فعالیت‌های خود را در سواحل افریقیه، به ویژه در قابس^{۱۲} و صفاقس^{۱۳} و بندر طرابلس^{۱۴} گسترش دهند (De mas Latrie, 1866: 49). دزدی دریایی یکی از مهمترین موانعی بود که روابط تجاری و دیپلماتیک دو طرف را مختل می‌کرد. این امر باعث شد موحدون در سال ۵۷۸هـ.ق/ ۱۱۸۲م از تجار پیزایی در بنادر موحدی مالیات ۵۰۰ دیناری بگیرند (Amari, 1863: 12) در زمان خلیفه منصور یکی از طولانی‌ترین معاهدات با پیزا در سال ۵۸۲هـ.ق/ ۱۱۸۶م منعقد شد که مدت آن ۲۵ سال بود. خلیفه در این معاهده تاکید فراوانی بر امنیت و امکان مبادله تجاری و مقابله با دزدی دریایی داشت (عزاوی، ۱۹۹۵: شماره ۲۵؛ Amari, ۱۲: ۱۸۶۳؛ De mas Latrei, 1866: 51-52). در این معاهده به پیزایی‌ها حق تجارت، فقط

^{۱۲} . Gabès

^{۱۳} . Sfax

^{۱۴} . Tripoli

در چهار مرکز؛ سبته، وهران^{۱۵}، بجایا و تونس، داده می‌شد. وجود آنها در مناطق دیگر قلمرو موحدون ممنوع بود، مگر اینکه طوفان آنها را به جایی ببرد. در صورت وقوع چنین اتفاقی، آنها مجاز به انجام هرگونه تجارت و حتی تماس با ساکنان نبودند. یک استثنا این بود که آنها می‌توانستند، کشتی‌های خود را جهت تعمیر و یا تدارکات به شهر آلمریا^{۱۶} ببرند. اگر هر پیزایی از این قوانین سرپیچی می‌کرد، در اختیار دولت موحدون قرار می‌گرفت. حتی حمل هرگونه مسلمان در کشتی پیزایی‌ها ممنوع بود. آنها نمی‌بایست در مسیر ناوگان‌های موحدون که ممکن است در دریاها آزاد با آن روبه‌رو شوند، بایستند (Abulafia, 2010: 255) با این حال دزدی دریایی مهمترین تهدید برای دو طرف وجود داشت.

جنوا یکی دیگر از مهمترین و برجسته‌ترین شرکا و فروشندگان در تجارت با موحدون محسوب می‌شد (عزاوی، ۱۹۵۵: ۲/ ۹۲). پس از اینکه موحدون کنترل بجایه را در سال ۵۴۷هـ.ق / ۱۱۵۲م بدست گرفتند، جنوا در جهت دوستی با آنها برآمد (بیذق، ۱۹۸۶: ۷۳) این امر در سال ۵۵۵هـ.ق / ۱۱۶۰م اتفاق افتاد که خلیفه عبدالمومن تونس را تحت حاکمیت خود قرار داده بود و در آنجا استقرار داشت (قزوینی، [بی‌تا]: ۲۷۷) این دیدار و مذاکره با خلیفه در مورد سازوکارهای مناسبات و روابط تجاری بین دو طرف بود و این ملاقات به توافقی منجر شد که صلح و امنیت را برای شهروندان دو کشور تضمین می‌کرد (Jehel, 1993: 38). دیوید ابولافیا، بر اساس گفته‌های کافارو، مورخ جنوایی، آورده است که موحدون با جنوایی‌ها در سالهای ۵۴۸ - ۵۴۹ ق / ۱۱۵۳ - ۱۱۵۴م رابطه خوبی داشتند و موحدون کشتی‌های جنوایی که از کالیاری^{۱۷} در جنوب ساردنی^{۱۸} و اسکندریه^{۱۹} آمده بود، را حمایت و محافظت کردند (Abulafia, 2010: 252). با این حال، این توافق تقریباً در همان سال به دلیل ایجاد مشکلاتی در ساردین برای کشتی موحدی که به مصر می‌رفت، ملغی شد (شوب، ۲۰۰۵: ۴۹). پنج سال پس از این اتفاق، سلطان جنوا با اعزام سفارت دیگر تحت رهبری سفیر دوآلبرسیس از در دوستی درآمد. نتیجه اینکه پیمان صلحی ۱۵ ساله به امضا

^{۱۵} . Oran

^{۱۶} . Almería

^{۱۷} . Cagliari

^{۱۸} . Sardinia

^{۱۹} . Alexandria

رسید (Abulafia, 2010: 252) و در آن برای حمایت تجار هر دو سرزمین تعهد داده و درصد مالیات بنادر مخصوصا بجایه را کم کرده بودند (شوب، ۲۰۰۵: ۴۹). بدین ترتیب تعاملات و مناسبات تجاری بین دو دولت پایدار و مستمر گشت. با وجود درصد زیادی از سرمایه گذاری تجاری جنوایی ها در مغرب دوره خلیفه عبدالمومن، در مقایسه با سایر مناطق خارجی در نسبت های متفاوتی اما ثابت باقی ماند (Krueger, 1933: 380) پس از خلیفه عبدالمومن نیز تعامل و مناسبات جنوا با موحدون با جدیت بیشتری ادامه یافت. در زمان خلیفه یوسف و منصور سفرایی بین دو دولت فرستاده شد و تعهداتی منعقد گشت (شوب، ۲۰۰۵: ۶۱). جنوایی ها فندوق که به کاروانسراهای شمال آفریقا اطلاق می شود، در تونس، بجایا، مهدیه و دیگر شهر های مهم در امتداد ساحل شمالی آفریقا برپا کردند. موحدون از این ایده استقبال کرده و ایجاد فندوق ها را نه تنها برای بازرگانان مسیحی، بلکه برای تجار صحرای آفریقا که از جنوب به تونس می رسیدند، گسترش دادند (constable, 2003: 126- 130) جالب اینکه، جنوایی ها همچنین برای رونق تجارت خود، با بنوغانیه نیز روابط حسنه ای داشتند (Abulafia, 1997: 10). بدین ترتیب حجم مبادلات تجاری جنوایی ها در دوران شکوفایی موحدان افزایش یافت تا جایی که از نظر شکل و موسسات به اوج خود رسید (برنشفک، ۱۹۸۸: ۱ / ۵۰)

منطقه دیگر سیسیل بود. سیسیل که در منابع اسلامی صقلیه آورده شده، جزیره ای در جنوب ایتالیا و در دریای مدیترانه واقع است. موحدون همچنین با پادشاهان سیسیل که در آفریقه و طرابلس قدرت گرفته بودند، صلح کردند. این امر برای پادشاهان سیسیل نیز مطلوب بود، زیرا به دنبال احیای تجارت غلات بودند که سیسیل را به شمال آفریقا وصل می کرد. این امر برای آنها درآمد بسیاری داشت (Abulafia, 1979: 135- 147) ابن اثیر در سال ۱۱۸۰ / ۵۷۶ صحبت از دیدار سفیر سیسیلی و یوسف بن عبدالمومن در مهدیه داشته که منجر به صلحی شد که این روابط حسنه سالها ادامه داشت (ابن اثیر، ۱۹۶۷: ۱۱ / ۴۶۸) مراکشی نیز در وقایع نگاری خود از موافقت پادشاه سیسیل برای پرداخت خراج به خلیفه موحدی ابویعقوب، آورده است. خلیفه موحدی در این مقطع به گنج ها و ذخائر عظیمی دست یافت که از جمله مشهورترین اشیا، یاقوتی به نام یاقوت حافر به اندازه نعل اسب بود و مصحف را با آن تزیین کردند (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۷۳) همچنین در داستانهای عاشقانه

می توان از روابط سیسیل با حکمرانان تونس اطلاعاتی دریافت کرد. بوکاپیو در اثر منحصر بفرد خود؛ «دکامرون» داستانی از عشق پسر پادشاه سیسیل با دختر حاکم تونس و داستانهای بعدی آن آورده است (بوکاپیو، ۱۳۷۹: ۳۴۲) شمال آفریقا برای تجار ایتالیایی ارزش بسیار زیادی داشت.

۲-۱: سرزمین های شرقی

بخش اعظمی از مناسبات تجاری موحدون در دوران شکوفایی با سرزمین های شرقی به سبب نقش واسطه دولتهای ایتالیایی مبهم گشته است. چرا که در این دوران حضور ایتالیایی ها در این زمینه حاضر و قوی بود و نیروی دریایی ایتالیا در حرکت تجارت و کالا برای محصولات شرق و غرب نقش ایفا می کرد. نیروی دریایی ایتالیا اصلی ترین ابزار حمل و نقل در زمینه تحولات تجاری و تمدنی بود که در حرکت مسافران از مغرب به شرق برای انجام مراسم حج یا کسب علم نشان داده می شد (ابن الابر، ۱۴۱۰هـ/ق / ۱۹۸۹: ۱۶۷؛ ابن جبیر، [بی تا]: ۲۸۵). علاوه بر نقش میانجیگرانه دولتهای ایتالیا، نباید از حضور دولت ایوبیان در مصر غافل شد. علی رغم وجود برخی آشفتگی های سیاسی بین موحدون و ایوبیان، پاره ای مناسبات تجاری نیز وجود داشته است. بهاء الدین قراقوش، از فرماندهان صلاح الدین ایوبی، در سال ۵۷۵هـ/ق / ۱۱۷۹م به مرزهای شرقی موحدون حملاتی داشت و با قبایل عرب منطقه پیمانهای بست و تا نزدیکی قیروان پیش رفت (ابن خلدون، ۲۰۰۰: ۲۵۵ / ۶). به دنبال آن خلیفه منصور موحدی در سال ۵۸۲هـ/ق / ۱۱۸۶م به مقابله با آنها شتافت و موفق شد، اتحاد سه جانبه بنی غانیه بنی مسوفی، اعراب و ایوبیان را شکست دهد (بروفنسال، ۱۹۴۱: مورد ۳۱: ۱۹۱-۱۹۹). صلاح الدین در این دوران درگیر نبردهای صلیبی بود چون خبر بسیج گسترده صلیبی ها را شنید (فلقشندی، ۱۹۱۵: ۶ / ۵۳۰)، پیکی برای خلیفه منصور فرستاد و از او مدد خواست (ابن ابی زرع، ۱۹۹۹: ۱۳۵) منابع دلایل متعددی از امتناع منصور داشته اند (ناصری طاهری، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۲) و نتیجه اینکه کمکی صورت نگرفت (ابن خلدون، ۲۰۰۰: ۶ / ۳۳۰)

۳-۱: تجارت در اندلس

مسیر تجاری و دریایی اندلس از مهمترین شاهراه های بازرگانی در قرون میانه اسلامی به حساب می آمد. در دروه موحدون با توجه به تلاش در جهت همکاری با دولتها و همسایگان و به دنبال آن، صادرات و واردات شهرهای جنوبی اندلس و مغرب فعال شد، آنجا که اشبیلی ها، روغن را به مغرب

صادر و غلات و سایر حبوبات را به اندلس وارد می‌کردند. بندر فضاله از جمله مراکز مهمی بود که گندم، جو، لوبیا، نخود، گوسفند، بز و گاو به اندلس صادر می‌شد. در این شهر به سبب تجاری بودن، هم قیمت‌ها ارزان و هم رفاه زندگی در شرایط مناسبی بود (زیات، ۱۴۲۵: ۱۰۳). دو بندر مهم دیگر نیز در تجارت با اندلس بسیار فعال و مشهور بود. ابتدا بندر انفی که در اوایل سده شانزدهم میلادی دارالبیضاء یا کازابلانکا مشهور گشت. این ناحیه مقارن ظهور اسلام و اوایل دوره اسلامی، مسکن قبایل بربری مسموده بوده است (معروفی، ۱۹۸۷: ۱ / ۲۹-۳۰). در دوره‌های مرابطون و موحدون محل مناقشه و درگیری شد و سرانجام پس از چندین نبرد، انفا در ذیحجه ۵۴۱ یا ۵۴۲ / مه ۱۱۴۷ یا ۱۱۴۸ به تصرف موحدون درآمد (بیدق، ۱۹۲۸: ۱۰۶؛ ابن‌ابی‌زرع، ۱۹۹۹: ۲۴۴-۲۴۵؛ ابن‌خلدون، ۲۰۰: ۶ / ۳۱۰). رونق اقتصادی و بازرگانی این شهر بندری چنان بود که مالیات آن به بیش از ۴۰ هزار مثقال طلا می‌رسید (معروفی، ۱۹۸۷: ۱ / ۶۲). بندر دیگر فعال مغرب در آن دوره اسفی نام داشت. اسفی، شهری بندری در ساحل اقیانوس اطلس در مراکش، امروزه از مهمترین شهرهای تجاری و صید ماهی شناخته می‌شود. ادیسی از آن نام برده و در زمان قدیم آخرین لنگرگاه کشتی‌ها بوده است. همچنین این شهر آباد و بربرهای رجراجه و زوده در آن ساکن بودند (ادیسی، ۱۸۶۶: ۷۴). یکی دیگر از بنادر مهم و تاثیرگذار در آن دوره، سبته بوده است. در ۵۵۱ق فرزندان عبدالمؤمن موحدی بر آن ولایت داشتند. امنیت و نظارت دقیق در سبته، آنجا را به لنگرگاه انواع کشتی‌ها و کاروان‌های تجاری حامل محصولات کتان و حریر تبدیل کرده بود (ابن خطیب، ۱۹۵۸: ۱۰۲). شمار کاروانسراها و یا فندوق‌های این شهر که در واقع محل اصلی ذخیره و نگهداری کالاهای تجاری بوده، بالغ بر ۳۶۰ باب دانسته اند (انصاری، ۱۹۶۹: ۳۸). نه تنها مسلمانان، بلکه مسیحیان و تاجران از اقصی نقاط دنیا در آنجا به تجارت و استراحت مشغول بودند (عمری، ۲۰۰۲: ۴ / ۲۰۷). اقلیم سبته سی بندر داشت که مهمترین آنها بندر معروف به حفره مختار (انصاری، ۱۹۶۹: ۳۸)، طنجه، غساسه و هنین بود (ابن خطیب، ۱۹۵۸: ۱۸۳ و ۱۴۴).

۱- توسعه عمران و ایجاد رفاه

تشکیل دولتهای مرابطون و موحدون، فرصت مناسبی برای بربرهای مغرب بود که در امر حکومت-داری نقش آفرینی کنند. هرچند دوره مرابطون نیز در بخش توسعه عمران قابل توجه بوده است اما تمرکز آنها بیشتر در اندلس و اسپانیا بود و بعد از ابن تاشفین به افول گراییدند. اما موحدون در پروسه ورود به اندلس، سیاست خود را بر مبنای حضور در مغرب متمرکز کردند. موحدون در دوران شکوفایی از ظرفیت‌های منطقه مغرب برای توسعه کشاورزی، صنعت و برنامه‌ریزی‌های مختلف اقتصادی استفاده کردند. خلیفه عبدالمومن برنامه‌هایی برای جبران مناطق کشاورزی تحت تأثیر جنگ‌ها و جلوگیری از مهاجرت در اثر وجود نبردها در آن مناطق داشت. او به صاحبان اصلی زمین‌های کشاورزی دستور داد که به زمینهای خود بازگردند و آنها را به بهره برداری و کشت ترغیب کرد (ابن قطان، ۱۹۹۰: ۱۷۵). برای رونق و ایجاد مشارکت، حتی خلفای موحدی، زمین‌هایی به صورت اقطاع می‌دادند چنانکه عبدالمومن به بعضی شاعران و مردم اندلس زمین داد (عنان، ۱۳۶۹: ۳۹۶/۳) خلیفه منصور نیز به یکی از بزرگان موحدی به نام احمدحاجب در منطقه ابل و یکی از عاملان به نام شعبان در اندلس که وی از نژاد غز بود، اقطاع داد که سالانه حدود نه هزار دینار عایدات داشت (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۹۶) موحدون در دوران شکوفایی، از توسعه مکانیسم‌های آبیاری، استخراج و بهره برداری از آب استفاده کردند. آنها روشهای جدیدی را برای استفاده از آب و آبیاری ابداع کردند که پیش از آنها شناخته شده نبود (ابن عذارى، ۱۹۸۵: ۱۵۱). ساختن حوضچه و مخزن‌هایی جهت جمع آوری و استفاده آب از جمله این روش‌ها بود. در بالای شهر مراکش، به دستور خلیفه عبدالمومن، دو آب انبار بزرگ ساخته شد. یوسف و منصور نیز در مکناس، فاس، مراکش و سلا دستور ساخت مخازن آب دادند (الاستبصار، ۱۹۸۶: ۲۱۰، ۱۴۰) انتقال آب از مخازن و قنات‌ها به مناطق شهری و کشاورزی یکی دیگر از بزرگترین پروژه‌هایی است که دولت موحدون در این زمینه انجام داد. خلیفه منصور در سال ۵۸۰هـ.ق / ۱۱۸۴م دستور انتقال آب از روستای بلیونش در فاصله شش مایلی شهر سبتة صادر کرد که آن از طریق قناتی زیر زمین صورت گرفت (همان: ۱۳۷) برای شهر مکناسه نیز از فاصله شش مایلی آب آوردند (الاستبصار، ۱۹۸۶: ۱۸۸؛ ادريسي، ۱۸۶۶: ۲۴۵) برای شهر سلا از فاصله بیست مایلی آب انتقال یافت (حمیری، ۱۹۸۰: ۳۱۹؛ الاستبصار، ۱۹۸۶: ۹۹)

۱۴۰) با توجه به اهتمام و توسعه کشاورزی، خلفای موحدون سربازان را از عبور زمین های زیر کشت در حین حرکت ارتش منع می کردند(نوبری، [بی تا]: ۲۴ / ۱۷۱).

در دوره خلیفه ناصر موحدی در شهر فاس، حدود ۳ هزار کارگاه، صدو شانزده حجره رنگرزی، هشتاد و شش حجره چرم دوزی، چهل و هفت حجره برای ساختن صابون، دوازده حجره برای ریخته گری آهن و مس و یازده حجره جهت شیشه گری فعال بود که همه در داخل شهر و حدود صد حجره برای سفالگری در خارج از شهر فعالیت می کردند(جزنائی، ۱۴۱۱ / ۱۹۹۱: ۴۴) صنعت کاغذ سازی و جلد کتابها در طول قرن ششم در بسیاری از مناطق مغرب و اندلس گسترش یافت. در اندلس، شهر شاطبه به عنوان مهمترین شهر تولید کننده کاغذ در آغاز قرن ششم هجری معروف شد(حمیری، ۱۹۸۰: ۳۳۷). از جمله تولیدات چرمی که در این دوره محبوبیت پیدا کرد می توان به روکش، کمر بند اسب، سازه های جلدی اشاره کرد که در شهر مالقه ساخته می شد(قلقشندی، ۱۹۱۵: ۵ / ۲۱۹) شهر تلمسان نیز از جمله مراکز مهم صنعتی مغرب بوده که تولیدات فراوانی مخصوصا در حوزه تجهیزات اسب و سوارکاری به مناطق اطراف داشت(ابن سعید، ۱۹۷۰: ۲ / ۲۴۶). صنایع چوبی از جمله صنایع دیگری است که در دوره موحدون مخصوصا در ساخت کشتی برای تجارت و استفاده ارتش در دو شهر طنجه و سبتة مورد توجه قرار گرفت. اگرچه این کارگاهها از قبل وجود داشت و فعالیت می کرد اما در دوره یوسف اهتمام ویژه ای برای گسترش آن صورت گرفت(ادریسی، ۱۸۶۶: ۵۲۹؛ محمدشریف، ۲۰۰۶: ۴۹).

خلفای موحدی در دوران شکوفایی به خاطر علاقه به ساخت و ساز و آبادانی، مبالغ زیادی از خزانه برای این امر صرف کردند. در میان این خلفا، یوسف از مال خود به این منظور خرج می کرد(ابن صلاه، ۱۹۸۷: ۱۶۵) و منصور نیز اهتمام زیادی برای سازندگی داشت(مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۸۲) عبدالمومن موحدی دو شهر مهم و اساسی در حوزه اقتصاد بازرگانی ایجاد کرد، ابتدا بطحاء و دیگری شهری در تنگه جبل طارق(ناصری، ۱۹۵۴: ۲ / ۱۴۰) همچنین یوسف بن عبدالمومن شهر رباط الفتح را در ساحل مراکش بنا کرد و یعقوب آن را به انجام رساند(مراکشی، ۱۳۹۰: ۲۳۹ و ۱۸۱). آنها همچنین شهر جبل الفتح را به منظور استراحت سربازان بنا کردند و در آن خانه و قصر ساختند(ابن صلاه، ۱۹۸۷: ۸۶). شهر تازا نیز توسط آنها ساخته شد(حمیری، ۱۹۸۰: ۱۲۸) و در

افریقیه شهر بطحاء را بنا نهادند(ناصری، ۱۹۵۴: ۱۲۵) موحدون همچنین به آبادانی و نوسازی شهرهای قدیمی هم مبادرت ورزیدند؛ از جمله در اشبیلیه، که در آن کاخ‌هایی ساختند، از مرزهای آن محافظت کردند و گنبد‌های آن را بالا بردند(ابن صلاه، ۱۹۸۷: ۱۴۰)، همانطور که شهر مراکش را نیز بازسازی کردند(همان: ۱۶۸). در این دوره کشتی سازی نیز گسترش یافت(منونی، ۱۹۷۷: ۱۶۱ و ۲۵۷).

۲-۱: مسیرهای خشکی

مسیرهای ارتباطی از گذشته در مغرب دارای اهمیت بوده و افراد به منظور تجارت، تعاملات علمی و سفرهای زیارتی در تردد بودند. این امر منجر به اهمیت یافتن برخی قبایل در مسیر راهها و توسعه بازار و شهر می‌شد. مسیرهای تجاری و راه‌ها همچنین از عوامل گسترش اسلام در مغرب بوده است(عظیمی‌نیا، ۱۳۹۹: ۲۰۵). راههای تجاری مغرب شامل مسیر خشکی و راه دریایی می‌شد. در آغاز، مهم‌ترین راه بین مغرب و مصر، راه خشکی بود که با افزایش دزدی در این راه‌ها، راه دریایی اهمیت بیشتری پیدا کرد. مسیری که از تلمسان، ملیانه، الجزائر، و سپس جبل زان، بجایه، قسنطینه، بوت و تونس عبور می‌کرد(ابن بطوطه، ۱۴۱۷: ۱۴-۱۷) مهمترین مسیر خشکی در مغرب دوره موحدون، مسیرهای صحرا موسوم به جاده طلا بوده است. مسیرهای تجاری صحرای بزرگ که از قبل وجود داشت، منبع اولیه ثروت و قدرت موحدون بود. مسیر اصلی از اوکار^{۲۰} و اودغست^{۲۱} در غنا به ایگلیز^{۲۲}، تینمل^{۲۳}، اغمات^{۲۴} و مراکش(Mcdougall, 1985: 1-31) کالاهایی نظیر برده، دارو، طلا، مواد و چوبهای کمیاب را به شمال می‌آورد تا به دیگر نقاط صادر شوند(ادریسی، ۱۸۶۶:

^{۲۰} . Awkar

^{۲۱} . Awdaghust

^{۲۲} . Igīlīz

^{۲۳} . Tinmal

^{۲۴} . aqmāt

(۲۳۲). این مسیر ستون فقرات قلمرو موحدون محسوب می شد (Fromherz, 2010: 129) ابن - خلدون همچنین اشاره به ثروت هنگفتی که می شد از طریق این مسیر تجاری طولانی بدست آورد و نیز مخاطرات آن برای بازرگانان داشته است (ابن خلدون، ۲۰۰۱: ۳۳۸).

بازرگانان مغربی بعد از خروج از فاس، به سجلماسه و از آنجا به سمت صحرا می رفتند؛ در طول مسیر، نمک برداشته و در شهرهای جنوبی تر به فروش می رساندند (ابن بطوطه، ۱۴۱۷: ۴/ ۲۳۹) تجار پس از سختی های فراوان و گذشت حدود سه ماه از سجلماسه به مالی می رسیدند و بارهای نمک و محصولات دیگر خود را با سنگ یا شمش طلا و نقره، عنبر، عاج فیل، پر شتر مرغ و مواد معطر مبادله می کردند و به مغرب باز می گشتند (ابن بطوطه، همان، ۲۴۸؛ ابن خطیب، [بی تا]: ۲/ ۱۹۲) علاوه بر طلا، بردگان سخت کوش سرزمین سیاهان، دومین متاع درخوری بود که در مغرب خریداران بسیار داشت. شمار این بردگان در سرزمین سیاهان تا آنجا بود که تنها پادشاه مالی نزدیک به دوازده هزار نفر از آنها را در اختیار داشت (ابن خلدون، ۲۰۰۰: ۶/ ۲۶۸) اغمات در آن زمان، انباری برای کالاها و پولهایی بود که به سودان می رفت یا از آن باز می گشت و بازرگانان بسیاری را چه از داخل و چه خارج به خود می کشاند. کاروانهای تجاری که به سودان می رفت، شامل ابزارآلات مسی، شیشه، پوست، سنگ های قیمتی، بلوط، عطر و صنایع دستی می شد (ادریسی، ۱۸۶۶: ۴۲) با توجه به طولانی بودن مسیر، بیشتر از نیروهای کمکی و بردگان استفاده می کردند و در طول مسیر، جهت محافظت از راهزنان و تامین مایحتاج اولیه، قبایل مستقر در مسیر، به منافی دست می یافتند. چنانکه در این مسیرها، برخی از قبایل راههای فرعی و مسیرهای بریده را بلد بودند و از این کار مستمری می گرفتند (ابن خلدون، ۲۰۰۰: ۶/ ۱۱۶) شهرهای فاس و درعه نیز از جمله مراکز مهم تجاری و بازرگانی در مسیر تجارت صحرا از سجلماسه به شمار می رفتند. بنابراین مسیر مهم تجاری مغرب؛ بین تلمسان، نویل از طریق فاس، اغمات، سجلماسه و تومدولت ارتباط برقرار می کرد (عمر موسی، ۱۹۸۳: ۳۱۱) تارودانت از جمله شهرهای مهم منطقه سوس بود که به عنوان دالانی برای کاروانهای تجاری سودان خودنمایی می کرد. کمی آنطرف تر ایگلیز بود که شکر و تولیدات کشاورزی آن، همواره مورد توجه بازرگانان قرار داشته است (الاستبصار، ۱۹۸۶: ۲۱۲)

۲-۲. مسیرهای دریایی

تجارت دریایی مغرب به خوبی، مناطق جنوبی مغرب اقصی و ارتباط آن با اندلس و برخی از نقاط ساحلی شرق مغرب را برقرار ساخت. روابط تجاری دریایی مغرب با جمهوری‌های ایتالیا، جنوا^{۲۵}، ونیز^{۲۶}، سیسیل^{۲۷} و فلورانس از رونق خوبی برخوردار بود. مغرب به کشورهای اروپایی گوسفند و شمع صادر و از اروپا لباس وارد می‌کرد (حسن، ۱۹۸۰: ۲۸۷) در دوره موحدون و مخصوصاً دوران شکوفایی که نوعی آرامش در مغرب برقرار گشت، برخورداری از نوار ساحلی طولانی دریای مدیترانه و بنادر تجاری آن، انتقال کالا را که یکی از مهمترین مشکلات تجارت در سده‌های میانه بود، تسهیل می‌داد. این راه تجاری از طریق جزائر دریای مدیترانه، چون سیسیل و منورقه، میورفه، و یابسه، به شمال اندلس و اروپا می‌رسید. یکی از معروف‌ترین آنها خلیج بود که در شرق طنجه واقع و به مدیترانه می‌ریخت و قایق‌های تجاری وارد آن می‌شدند (حمیری، ۱۹۸۰: ۳۹۶؛ الاستیبار، ۱۹۸۶: ۱۷۹) مسیرهای دریایی دیگری وجود داشت؛ رودخانه دره ملویه، در شرق شهر ملیله، و همچنین رودخانه سبو، در شرق فاس، که به اقیانوس اطلس می‌ریخت (ادریسی، ۱۸۶۶: ۲۴۷؛ لئو افریقی، ۱۹۸۰: ۳۱۳) همچنین رودخانه ابو الرجاج بین سلا و مهدیه جریان پیدا می‌کرد و به اقیانوس اطلس می‌ریخت (ابن صلاه، ۱۹۸۷: ۴۴۹) رودخانه ام‌الرابع نیز از شهر از مور شریان داشت و به اقیانوس اطلس متصل می‌شد (لئو افریقی، ۱۹۸۰: ۱۶۶).

۲-۳. بازارها

در مغرب، انواع مختلفی از بازارهای دوره‌ای و دائمی برگزار می‌شد. بازارهای دائمی در شهرهای فاس (ابن ابی‌زرع، ۱۹۹۹: ۷۳) سبته (انصاری، ۱۹۶۹: ۳۶)، مراکش (عمری، ۲۰۰۲: ۱۳۳-۱۳۴) و مکناسه^{۲۸} (ابن غازی، ۱۹۹۹: ۱۱-۱۵) وجود داشت. برخی از این بازارها شهرتشان به کالای مشخصی بود، مانند بازار اسب در مراکش (عمری، ۲۰۰۲: ۱۳۴) و بازار پشم در بجایه^{۲۹} (علاوی، ۲۰۰۱: ۱۴۵)

^{۲۵} . Genoese

^{۲۶} . Venice

^{۲۷} . Sikilliyya, Sicile

^{۲۸} . Mknas or Ameknas

^{۲۹} . Béjaïa

در سبته بازار ماهی فروشان که به مضارب مشهور بود (انصاری، ۱۹۶۹: ۵۱) در مراکش بازارهای متعددی وجود داشت؛ بخشی به فروش قند و پنبه (الاستبصار، ۱۹۸۶: ۲۱۰) بازاری به فروش دام و محصولات لبنی (قلقشندی، ۱۹۱۵: ۱۷۶/۵) همچنین بازارهای فروش غلات، سبزیجات، میوه ها و سایر محصولات کشاورزی که از شهر نفیس و منطقه دکاله در شمال غرب مراکش (حلل الموشیه، ۱۹۷۹: ۱۶) وارد می شد. از معروفترین بازارهای مراکش، بازار دباغی ها بود که در زمینه تجارت، دباغی و ساخت چرم فعالیت داشته و در کنار باب‌المدینه برگزار می گشت (ابن عبدون، ۱۹۵۵: ۴۳). با توجه به موقعیت شهر مراکش در مسیرهای تجاری، بازارها و کالاها فراوان بود (مراکشی، ۱۳۹۰: ۲۳۹؛ ابن صلاه، ۱۹۸۷: ۳۹۶) همچنین تعداد بازارهای دایر در سبته و اطراف آن بالغ بر یکصد و چهار بازار بود که از اینها بیست و چهار بازار داخل شهر و بقیه در حواشی آن بود (انصاری، ۱۹۶۹: ۸۵) برخی از شهرها دو یا چند بار در هفته بازار به پا می کردند و برخی دیگر از شهرستانهای بزرگتر اغلب توانایی این را دارند که هر روز باشند (Lévi-Provençal, 1918: 194-200) خلیفه عبدالمومن در مورد ثبات امنیت داخلی و توسعه اقتصاد برنامه ریزی کرده بود، بنابراین مسیر تجارت زمینی و دریایی را ایمن کرده و بازارها را به دقت زیر نظر داشت (لئو افریقی، ۱۹۸۰: ۲۰۹) عبدالمومن از سیاست قاطعی در نظارت بر بازارها و مبارزه با کلاهبرداری و تخلفات استفاده کرد (بیدق، ۱۹۸۶: ۱۰۲) از دیگر خلفای معروف موحدی منصور بود که در سال ۵۹۲هـ.ق / ۱۱۹۵م دستور به ساخت، ساماندهی و تنظیم مجدد بازارها و مغازه ها داد، همچنین برای مغازه‌های طلافروشی درهای بزرگ و مستحکم ساختند (ابن صلاه، ۱۹۸۷: ۳۹۶؛ سالم، ۱۹۸۶: ۲۱۸) در دوره شکوفایی موحدون، گندم (ابن ابی زرع، ۱۹۹۹: ۱۰۸) جو، آرد (ابن صلاه، ۱۹۸۷: ۴۴۲) نان، گوشت (تادلی، ۱۹۸۴: ۱۷۷) و لباسهای متنوع (ادریسی، ۱۸۶۶: ۲۴۵) با قیمت مناسب و کیفیت بالا به فروش می رسید. مسئولیت بازارهای مغرب در دوران شکوفایی موحدون به منظور جلوگیری از گران فروشی و تقلب، با محتسب بود که بازارها را به طور کامل کنترل و مدیریت می کرد (ونشریسی، ۱۹۸۱: ۷۷/۱۰). محتسب باید با فقه و قوانین بازار جهت امر و نهی آشنایی می داشت (سقطی، ۱۹۳۱: ۷) همچنین با متخلفین سکه‌های جعلی و یا مخلوط شده با فلزهای کم ارزش برخورد می کرد (یحیی بن عمر، ۱۹۷۵: ۴۰) خلفای موحدون، به وظائف محتسب آگاه و با نظارت بر کارهای او،

به بازارها نظم بخشیده بودند (شیزری، ۱۹۸۱: ۱۵) خلیفه منصور دستور داده بود که معتمدین بازار و بزرگان شهری دو بار در ماه نزد محتسب رفته و در مورد بازارها، قیمت و احکام سوال کنند (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۹۴) معتمدین بازارها با لباسهای خاص، مشخص و از شهری به شهر دیگر تفاوت داشتند (ابن صلاه، ۱۹۸۷: ۴۷۴؛ مقری، ۱۹۶۸: ۱/ ۲۱۸) محتسبان نیز گروهی از دستیاران با تجربه و آگاه را برای انجام وظایف خود در بازار استخدام کرده بودند (سقطی، ۱۹۳۱: ۳۳).

نتیجه گیری:

موحدون از جمله دولتهای مغرب اسلامی هستند که پس از تثبیت قدرت و با اتخاذ سیاستهای مالی، در عرصه اقتصادی و لغو مالیاتها خوش درخشیدند. آنها با حضور خلفای قدرتمند و با استقرار در مغرب و اندلس و ایجاد تعاملات پایدار با همسایگان، دوران شکوفایی موحدون را رقم زدند. آنچه کمتر به آن پرداخته شده، مبانی اقتصادی و مناسبات تجاری مغرب اسلامی در این دوران است که بدون شک در شکل گیری و ثبات دولت موحدون بسیار اهمیت داشته است. یکی از دلایل عمده ی تشکیل موفقیت آمیز سیاستهای موحدون، شرایط اقتصادی شمال آفریقا بوده است. موقعیت جغرافیایی و استقرار این سرزمین در شاهراههای تجاری و یا محصولات کشاورزی نیز در این موضوع حائز اهمیت است. موقعیت ویژه جغرافیایی مغرب به واسطه قرار گرفتن در نوار ساحلی دریای مدیترانه و ارتباطات تجاری با اروپاییان و همچنین تسلط بر مناطق جنوبی مغرب اقصی که به شاهراه طلا نیز معروف بود، بر اعتبار و اهمیت این سرزمین مخصوصا از منظر اقتصادی می افزود. وجود راههای خشکی و دریایی و همچنین بازارهای متعدد در شهرهای مغرب بیانگر پویایی و فعال بودن روابط اجتماعی و معاملات بازرگانی بوده است. از این رو موحدون از یک طرف مناسبات تجاری گسترده ای با مسیحیان سرزمین خود و دولتهای اروپایی و از طرف دیگر با همسایگان مسلمان و قبایل مختلف بربر در جنوب مغرب ایجاد کردند. در دوره موحدون همراه با نهضت کشاورزی و صنعتی، شاهد رونق فراوانی در تجارت داخلی و خارجی هستیم. آنها با سیاستهای خود با بخش شرقی جهان عرب، جزایر اروپایی در شرق سرزمین خود، با سرزمین سودان و اندلس

به تجارت پرداختند و قراردادهای تجاری منعقد کردند. بدون شک یکی از دلایل قدرت و تداوم دولت موحدون، اقتصاد و سیاستهای مالی آنها بوده است.

منابع

۱. ابن الأبار، ابی عبدالله محمد (۱۹۵۸) الحله السیراء، تحشیه: حسین مونس، قاهره: دارالمعارف.
۲. ابن الأبار، ابی عبدالله محمد (۱۴۱۰هـ/ق / ۱۹۸۹) المعجم فی اصحاب القاضی الامام علی الصدفی، تحشیه: ابراهیم الایاری، قاهره: دارالکتاب المصری.
۳. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد (۱۹۶۷)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر و دار بیروت.
۴. ابن ابی زرع، علی (۱۴۲۰ ق / ۱۹۹۹ م)، *الانیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینه فاس*، به کوشش عبدالوهاب بن منصور، رباط.
۵. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۴۱۷)، *رحله (تحفه النظر فی غرائب الامصار و عجایب الاسفار)*، رباط: اکادیمیه المملکه المغربیه.
۶. ابن جبیر، ابوالحسن محمد بن احمد [بی تا] *رحله ابن جبیر*، بیروت: دار صادر.
۷. ابن خطیب، لسان الدین [بی تا]، *الاحاطه فی اخبار غرناطه*، به کوشش محمد عبدالله عنان، قاهره، مکتبه الخانجی.
۸. ابن خطیب، لسان الدین (۱۹۵۶)، *اعمال الاعلام، تحقیق و تعلیق: لیفی بروفنسال*، بیروت: دارالمکشوف.
۹. ابن خطیب، لسان الدین (۱۹۵۸)، *معیار الاختبار فی ذکر المعاهد و الدیار*، در مشاهدات لسان الدین خطیب، به کوشش احمد مختار عبادی، اسکندریه، مطبعه جامعه اسکندریه.
۱۰. ابن خلدون، عبدالرحمن (۲۰۰۰)، *العبر و تاریخ المبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر*، به کوشش خلیل شحاذه و سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
۱۱. ابن خلدون، (۲۰۰۱)، *مقدمه*، به کوشش خلیل شحاذه، سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
۱۲. ابن سعید، علی بن سعید بن موسی (۱۹۷۰)، *کتاب الجغرافیه*، تحقیق اسماعیل العربی، بیروت، نشر المکتب التجاری للطباعه.
۱۳. ابن صاحب الصلاه، عبدالملک (۱۹۸۷)، *المن بالامامه*، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
۱۴. ابن عذاری المراكشی، ابوالعباس احمد (۱۹۸۵)، *البيان المغرب فی اختصار اخبار ملوک الاندلس و المغرب: القسم الموحدی*، تحقیق مجموعه من الأستاذة، بیروت: دار الغرب الإسلامی.

۱۵. ابن عبدون، محمد بن احمد التجیبی (۱۹۵۵) رساله فی القضاء و الحسبه منشوره ضمن ثلاثه رسائل اندلسیه فی اداب الحسبه و المحتسب، تحقیق لینی بروفنسال، قاهره: مطبعه المعهد الفرنسی للاثار الشرقيه.
۱۶. ابن غازی، محمد بن محمد العثماني المکناسی (۱۴۱۲ق / ۱۹۹۹م)، *الروض الیهتون فی اخبار مکناسه الزیتون*، به کوشش عبدالوهاب بن منصور، رباط: مطبعه الملكيه.
۱۷. ابن قطان مراکشى، ابوالحسن علی (۱۹۹۰)، *نظم الجمان*، تحقیق محمود علی مکی، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
۱۸. ادریسی، محمد بن محمد (۱۸۶۶م)، *نزهة المشتاق*، به کوشش راینهارت دزی، لیدن.
۱۹. الاستبصار (۱۹۸۶)، تحقیق سعد زغلول عبد الحمید، الدار البيضاء.
۲۰. انصاری، محمد بن قاسم السبتي (۱۹۶۹)، *اختصار الاخبار عما كان یغیر سبته من سنی الآثار*، رباط: المطبعه الملكيه.
۲۱. بروفنسال، لینی (۱۹۴۱) *مجموعه رسائل موحدیه من انشاء کتاب الدوله المومنیه*، رباط: المطبعه الاقتصادیه.
۲۲. برنشفک، روبر (۱۹۸۸) *تاریخ افریقیه فی العهد الحفصی*، ترجمه: حمادی الساحلی، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
۲۳. بوکاجیو، جووانی (۱۳۷۹)، *دکامرون*، مترجم، محمد قاضی، تهران: مازیار.
۲۴. بولقطیب، الحسین (۱۴۱۳)، «الحیاء الاقتصادیه للحلف القبلی المصمودی فی القرنین الخامس و السادس الهجرین»، *مجله الاجتهاد*، شتاء ۱۴۱۳، ۱۸ (۵۷ تا ۹۸)
۲۵. بیدق، ابوبکر (۱۹۸۶)، *اخبار المهدي ابن تومرت و ابتداء دولة الموحدين*، به کوشش لوی پرووانسال، پاریس.
۲۶. تادلی، ابن الزیات (۱۹۸۴)، *التشوف إلى رجال التصوف*، تحقیق أحمد التوفیق، الدار البيضاء.
۲۷. جزنائی، علی (۱۴۱۱ / ۱۹۹۱)، *جنی زهره الاس فی بناء مدینه فاس*، به کوشش عبدالوهاب بن منصور، رباط، المطبعه الملكيه.
۲۸. حرکات، ابراهیم (۱۹۶۵)، *المغرب عبر التاريخ*، دار السلمی، الدار البيضاء.

۲۹. حسن، حسن علی (۱۹۸۰)، الحضاره الاسلاميه في المغرب و الاندلس في عصر المرابطين و الموحدین، مصر: مكتبة الخانجي.
۳۰. حلال الموشيه في ذكر الأخبار المراكشيه (۱۹۷۹)، تحقيق سهيل زكار، الدار البيضاء.
۳۱. حميري، عبد المنعم (۱۹۸۰)، الروض المعطار في خبر الأقطار، بيروت: مؤسسه ناصر للثقافه،
۳۲. الزيات، عبدالله محمد حسين، مظاهر اقتصاديه في عصر المرابطين و الموحدین بالاندلس و المغرب، مجله آفاق الثقافه و التراث، جمادى الأولى ۱۴۲۵ - العدد ۴۶، از صفحه ۱۰۱ تا ۱۲۲
۳۳. سالم، عبدالعزيز (۱۹۸۶) تاريخ مغرب في العصر الاسلامي، اسكندريه: مؤسسه شباب الجامعه للمطبعه و النشر و التوزيع.
۳۴. سقطي، ابو عبدالله محمد بن ابى محمدمالقي (۱۹۳۱) اداب الحسيه، تحقيق: ج.س. كولان و ليفي بروفنسال، باريس: دار اير نيست لرو.
۳۵. شهيدى پاك، محمدرضا (۱۳۸۹)، تاريخ تحليلى مغرب، قم: جامعه المصطفى.
۳۶. شيزرى، عبدالرحمن بن نصر (۱۹۸۱) كتاب نهايه الرتبه في طلب الحسيه، تحقيق الباز العرينى، بيروت: دارالثقافه.
۳۷. شوب، (۱۴۲۶ / ۲۰۰۵) تاريخ تجاره الشعوب الاتيينه بالبحر المتوسط الى حدود نهايه الحروب اصليبيه، ترجمه: مصطفى نشاط، وجده: مكتبه الطالب.
۳۸. عزاوى، احمد (۱۴۱۶ / ۱۹۹۵م) رسائل موحديه، القنيطره: منشورات كليه الاداب.
۳۹. عظيمى نيا، سعيد؛ بهروزى، مهرناز (۱۳۹۹) شيوه‌هاى گسترش اسلام در مغرب اسلامى در دو قرن اول هجرى، مجله علمى پژوهشى تاريخ، شماره ۵۸، پاييز ۹۹ صص ۲۱۴ - ۱۹۳.
۴۰. علاوى الشاهرى، مزاحم (۲۰۰۱)، الاوضاع الاقتصاديه في المغرب على عهد المرينيين، بغداد: دارالشوون الثقافه العامه.
۴۱. عمر موسى، عز الدين (۱۹۸۳)، النشاط الاقتصادى في المغرب الإسلامى خلال القرن السادس الهجرى، دار الغرب الإسلامى، بيروت.
۴۲. عمر موسى، عز الدين (۱۳۸۱)، دولت موحدون در غرب جهان اسلام؛ تشكيلات و سازمانها، مترجم: صادق خورشاه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۴۳. عمری، شهاب الدین احمد بن فضل الله (۲۰۰۲)، *مسالك الابصار و الممالك الامصار*، به كوشش حمزه احمد عباس، ابوظبی: المجمع الثقافی.
۴۴. عنان، محمد عبدالله (۱۳۶۹) *تاریخ دولت اسلامی در اندلس*، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، ج ۲ و ۳ تهران: انتشارات كیهان.
۴۵. قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود [بی تا] *آثار البلاد و اخبار العباد*، بیروت: دار صادر.
۴۶. قلقشندی، ابوالعباس احمد (۱۹۱۵)، *صبح الاعشى فی صناعه الانشاء*، قاهره: مطبعه الامیریة.
۴۷. محمد شریف (۲۰۰۶) *سبته الاسلامیه، دراسات فی تاریخها الاقتصادی و الاجتماعی (عصر الموحدين و المرينيين)*، رباط: منشورات جمعیه تطوان.
۴۸. مراکشی، عبدالواحد بن علی، *المعجب فی تلخیص اخبار المغرب*، ترجمه و تحقیق، محمد رضا شهیدی پاک، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۴۹. معروفی، هاشم (۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م)، *عبیر الزهور، دارالبیضاء*.
۵۰. مقری، شهاب الدین احمد (۱۹۶۸) *نفح الطیب من غصن الاندلس الرطیب*، تحقیق احسان عباس، بیروت: دار صادر.
۵۱. منونی، محمد (۱۳۹۷ هـ / ۱۹۷۷ م)، *العلوم و الآداب و الفنون علی عهد الموحدين*، الرباط: دار المغرب للتألیف و الترجمة.
۵۲. مونس، حسین (۱۳۸۴). *تاریخ و تمدن مغرب*، ترجمه: حمیدرضا شیخی، ج ۲، تهران: سمت.
۵۳. ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۸۸)، *مقدمه ای بر تاریخ مغرب اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵۴. ناصری، أحمد بن خالد (۱۹۵۴)، *الاستقصا لأخبار دول المغرب الأقصى*، تحقیق جعفر الناصری و محمد الناصری، دار الكتاب، الدار البیضاء.
۵۵. نویری، شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب [بی تا]، *نهایه الارب فی فنون الادب*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۶. الوزان، الحسن (لئو افریقی) (۱۹۸۰) *وصف أفريقيا*، ترجمه محمد حجی و محمد الأخضر، الرباط.
۵۷. ونشیریسی، احمد بن یحیی (۱۹۸۱) *المعیار المغرب و الجامع المغرب عن فتاوی علماء افریقیه و الاندلس و المغرب*، اشراف: محمد حجی و اخرون، بیروت: دارالغرب الاسلامی.

۵۸. یحیی بن عمر (۱۹۷۵) *النظر فی احکام السوق*، تحقیق حسن حسنی عبدالوهاب، تونس: راجعه فرحات الدشراوی.

59. Abulafia, David (1979), "The Reputation of a Norman King in Angevin Naples." *Journal of Medieval History* 5, no. 2 (135–47).
60. Abulafia, David (2010), "Christian merchants in the Almohad cities", *Journal of Medieval Iberian Studies*, Vol. 2, No. 2, June, (251–257).
61. Abulafia, David. "Gli inizi del commercio Genovese a Maiorca e il patto maiorchino-genovese del 1160." *In Oriente e Occidente tra Medioevo ed età moderna. Studi in onore di Geo Pistarino*, ed. Laura Balletto, vol. 1, 3–11. Genoa: Brigati, 1997.
62. Constable, Olivia Remie (2003), *Housing the Stranger in the Mediterranean World: Lodging, Trade and Travel in Late Antiquity and the Middle Ages*. Cambridge, Cambridge University, Press.
63. De Mas Latrie, (1866) *Les Relations Des chretiens Avec les Arabes Delafrigue septentionale au Moyen Age*, paris.
64. E. Lévi-Provençal (1918), 'Pratiques agricoles et fêtes saisonnières des tribus Djebalah de la vallée moyenne de l'Ouargha', *Bulletin Archéologique*, (194–200).
65. Fromherz, Allen, j (2010), *The Almohads The Rise of an Islamic Empire*, London: I. B. Tauris.
66. H. C. Krueger (1933) *Genoese trade with North Africa in the XIIth century*, *Speculum*, 8.
67. Jehel, J (1993), *Les Genoies en Mediterranee occidentale fin X1e-debut XIVE Siecle*, *Ebauche dun strategie pour UN Empire*, s. I.
68. Julien, C. A (1956), *Histoire de LAfreque du Nerd*, 2v. Paris.
69. Lévi Provençal (1934), " Un document sur la vie urbaine et les corps de métier Séville au début du xi siècle: le traite d'Ibn Abdun ", *journal asiatique* ,avril –juin.
70. M, Amari (1863) *I Diplomi Arabi dell Archivio Firentino*. T1. N1.
71. Marie, Martin (2000), *Les pays dIslam et Litalie Meridionale*, ed(ADHE).
72. Nicholas Michel (2002), *the individual and the collectivity in the agricultural economy of precolonial Morocco* 'in Nelly Hanna (ed.) *Money 'land and trade: an economic history of the Muslim Mediterranean* 'London: I.B.Tauris.